

سخنران نمایندده امیرالیاسم آمریکا :

درباره یغمای ایوان

روزنامه‌های وابسته به دولت و باره از قبل رئیس بانک صادرات و واردات آمریکا شادیگان باحرف در دست نوشتند که "نخاستن ایران عفت برابر ارزش ذخایر طلای دنیا است..." و مورد تمسخرکنش ایران یار دیگران "سف خوران دیدند که چه شروت عظیمی از مین آنها بوده میشود."

رئیس بانک صادرات و واردات آمریکا در روز اول آذر ماه در اجتماع سرمایه‌داران ایرانی اظهار داشت: "نخاستن نفتی در ایران ۷۰ میلیارد بشکفت و ۲۰۰ تریلیون فوت مکعب گاز میباشند و بیشتر بیتی کرد که ارزشش دوادخا نفتی ایران به قیمت‌های جاری ۳۰۰۰۰۰۰۰ میلیون دلار است که بیشتر از هفتاد هشت برابر ذخیره طلای جهان است..."

بیبود نیست که امیرالیاستهای آمریکایی در تمدید قرار داد باکسرسیوم و افزایش سالانه استخراج نفت (تسای ۵۰۰ میلیون تن) عجله بخرج داد و میباید. باید تا وقتیکه هنوز حکومت خیانت‌پیشه پهلوی برجاست آخرین نرات ایمن طلای سیاه را از ایران بیرون بکشند.

رئیس بانک صادرات و واردات آمریکا از توسعه روابط بازرگانی آمریکا و ایران صحبت کرد و گفت: "ما تازه تجارت بین ایران و آمریکا اجتناب ناپذیر است" ولی باید توجه داشت که او زبان را هفتان بین المللی گفتگو میکند و منظور او تازه‌مازه تجاری است چنانچه موازنه‌ای است که سرچشمه‌اش موازنه است. او مانند همه نمایندگان امیرالیاست لیست‌نفتی را که از ایران غارت میشود به حساب صادرات ایران میکند و آنکا توقع دارد که هر روزی که از این بابت بدست دولت ایران میآید یکجا بصرف خرید کالا های آمریکایی برسد. هم‌اکنون واردات آمریکا از آمریکا بیشتر از صادرات آمریکا است. اما رئیس‌خام طبع بانک صادرات و واردات آمریکا معتقد است که نفت غارتی از ایران بحساب صادرات ایران است و باید واردات ایران از آمریکا را بعنوان "مازنه" تجاری از این حد نیز افزایش داد.

نمایندة انحصارهای امیرالیاستی آمریکا فراموش نکند که اهمیت گاز را نیز نباید فراموش کرد و درباره توسعه غارت این شروت طبیعی که جزو سرمایه بانک صادرات و واردات است توضیحاتی بدهد. و "وادمهانی" گفتگو بانک صادرات و واردات آمریکا برای انحصار طرح‌های گاز طبیعی داد و داشت اشاره کرد و گفت: "ما در حال حاضر سرک‌چینی مقامات توسعه همکاری خود با ایران (در این زمینه) میباشیم"

از گفتگوی رئیس بانک صادرات و واردات آمریکا آشکار میشود که امیرالیاسم آمریکا از حفظ سلطه اقتصادی خود در ایران غافل نیست و اگر سوسیال امیرالیاستهای شوروی به یغمای گاز ایران مشغول اند و باמצای طرح‌های مربوط بموافقت نامه "هسکاور ۱۵ ساله" بر روی قسمت عظیمی از منابع نفتی و غیر نفتی ایران دست انداخته اند در تیرماه ۱۳۴۵ یک شرکت آمریکایی قرار داد با دولت ایران درباره بهره‌برداری از گاز پند انبساطی در ویوش و خارک متعقد ساختن وظایف در برخی زمین‌های دیگر نیز میسر آمریکا میباشند امتیازاتی بدست آوردند و اینک آنها را توسعه خواهند داد.

رئیس بانک صادرات و واردات اظهار نظر کرد که "موقعیت دیگر تجاری ایران هسکای با بلوک شرق است. امین امر ایران امکان میدهد که تجارت خود را از گسترش قابل ملاحظه‌ای برخوردار سازد" (کیهان ۱ آذر ۱۳۵۱). امیرالیاستها سالهاست میگویند که ایران بصورت واسطه بین آنها کشورهای ریز و ریز نیستی و بویژه شوروی عمل کند و کلاه‌های را که سرمایه‌داران آمریکایی در شعب کارخانه‌های خود در ایران - تحت نام "صنایع ملی ایران" - تولید میکنند بقیه در صحنه ۳

پیکار و «پیکار» واقعیت‌گفند راسیون

در حال حاضر جنبش دانشجویی ایران بحق در کفند راسیون دانشجویان ایرانی تحسم یافته است. این امر اگر چه برای ناشرین "پیکار" و حامیان نیرومند آنان خوشایند نیست ولی واقعیت است. هیچ نیرویی نمیتواند مدعی دفاع از جنبش دانشجویان ایرانی باشد و بدفاع از کفند راسیون برخیزد. تا چه رسد آنرا نادیده انگارد و از آنهم بدتر با آن از در خصومت درآید. شما به جملات نشریه "پیکار" که در قوی آمده نگاه کنید هیچ‌جا سخن از دفاع از کفند راسیون نیست. از جنبش دانشجویان ایرانی است که گویا در وای کفند راسیون اکنون جنبش دیگری در درون دانشجویان ایرانی وجود دارد. جدا کردن کفند راسیون از جنبش دانشجویان ایرانی هیچ وجه مصلوب بن توجهی یاسهل انگار نیست. بلندگوی رادیویی آنها نیز نام کفند راسیون را از کفند راسیون خود حذف کرده است و بجای آن جنبش دانشجویی یا دانشجویان بکار میرسد. آنها با کفند راسیون بمللی که بعدا خواهد آمد سر سازگاری ندارند و تمام تلاش آنها هم اینست که آنرا از راه "راهنمایی دانشجویان ایرانی" بردارند. این جنبش را از "گرایشهای انحرافی پاک گردانند و آنچنان جنبشی تحویل شاه و اربابان شوروی خود دهند که در خور ماهیت و سورش آنها باشد. اما از هم اکنون میتوان گفت که چنین جنبشی از آن دانشجویان ایرانی نخواهد بود. دانشجویان ایرانی از چنین جنبشی بیزارند و شک نیست که ناشران "پیکار" در این تلاش خود نیز شکست متصصانه ای خواهند خورد. کفند راسیون ممکن است در میدان مبارزه از پای درآید ولی مرکز ترس به تلقینات و توسعه‌های ضد انقلاب خواهد داد و از راهی که در پیش گرفته انحراف نخواهد جست. سرخواران و سربلندی کفند راسیون نیز در همین است و خواهد بود.

این نظر احمائی به محتوای شماره‌های "پیکار" بر هر کس معلوم می‌دارد که یکی از هدفهای انتشار پیکار مبارزه با کفند راسیون دانشجویان ایرانی است. مبارزه‌های تئوریک و سیاسی در تمام مظاهر آن. شماره‌های بقیه در صحنه ۲

نشریه "پیکار" دوبار در جهان مطبوعات فارسی‌خارج از کشور با حضور وجود نهاد: پیکار بصورت گوهی تابناک که بسر تارک لطف کارگزاران میدرخشید و با پر تو خود سیاهی واقعه مین مارا که در دست امیرالیاسم انگلستان و رژیم مولودش رژیم رضاشاهی اسیر بود به جوانان نشان میداد و آنها را در مبارزه رزه بخاطر استقلال و آزادی رهنمون میکردید؛ بار دیگر بصورت خرم‌رویی زشت و نفرت‌انگیز که از اسارت مین ما بدست امیرالیاسم گاه آشکار و گاه در لطف فاعیگند و رژیم محمد رضاشاه مولو تنگن امیرالیاسم آمریکا را میآرایید امیرالیاستهای سوسیالیستها میزند و برای آنکه جوانان بیچاره و آگاه را از راه‌گذر و مبارزه بخاطر آزادی و استقلال با زور نادیده ست و می‌بازیند. "پیکار" پیکار در کار خلق جای داشت و با دشمنان خلق می‌بازید بار دیگر یار و یار و دشمنان خلق است و می‌کوشد خلق را همچنان در چکه آنان نگاه دارد؛ "پیکار" پیکار بر عریضی فرزند طبقه کارگر ایران، فرزند قهرمان خلق آذربایجان و گورانی در راه انقلاب گام بر میداشت و بار دیگر با دست مشتق مزدور در سرگرفته انقلاب موضع گرفته است.

اکنون بیش از یکسال است که "پیکار" انتشار خود را آغازین گرفته است. هدف آن از این انتشار آنگونه که در پیش آمده، دفاع از جنبش و منافع صفتی و سیاسی دانشجویان ایرا مبارزه با انحرافات مختلف در درون این جنبش است (شماره ۱۶). مبارزه گونی "پیکار" با گرایشهای انحرافی در جنبش دانشجویان ایرانی و با مشی انحرافی سلط (۲) در کفند راسیون... است.

آیا واقعا هدف "پیکار" دفاع از جنبش و منافع سیاسی دانشجویان ایرانی است؟ آیا مبارزه با گرایشهای انحرافی در جنبش دانشجویان ایرانی است؟ این ادعائی است که در تناقض آشکار با سراسر نشریه "پیکار" است و در تضاد با اعمال ناشرین و بیروان آنها در جنبش دانشجویی است. این تضاد و تناقض به اندازه‌ای باز است که نمیشود آنرا ندید. و هم‌اکنون میبیند.

پیروزی با خلق‌های هند و چین است

راهزنان هوائی راشدند میدهند. المتعلق قهرمان ویتنام که سالهاست با امیرالیاسم آمریکا دست و پنجه نرم میکند مانورهای او را خوب میشناسد و آتی از پیشرفت ظفر نمون در جبهه‌های جنگ "پیکار" وظیفه گنیه خلق‌های جهان است که بیش از همیشه هشیار باشند و تبلیغات دروغین امیرالیاسم آمریکا را افشا کنند و بسر پشتیبانی قتل و هتیمانه از خلق‌های هند و چین بیفزایند. پیروزی خلق‌های هند و چین پیروزی همه خلق‌های شیفته آزادی است.

طرح قرارداد صلح در ویتنام که امیرالیاسم آمریکا به تمبئات گوناگون برای خود داری از اضع آن منسول شد فای خودی خود نشانه شکست امیرالیاسم آمریکا و پیروزی خلق دلی ویتنام است. بهر گناهی آمریکا با تمام نیروی در تندی خود برخلو ویتنام هجوم آورد؛ بمب‌هایی که برخاک ویتنام ریخت بیش از همه بمب‌هایی بود که در جنگ دوم جهانی (۱۹۳۹-۱۹۴۵) بر سراسر سرزمین اروپا ریختند. خانوادگیان مردم را با بمب‌های ناپالم آتش کشید. کشت زارها و خرمن‌ها را بخرشتن آورد. بگریه‌ها و درختان گرد سمی و خشک‌گانه میاشند. بدست گاشنگان سایگونی خود شش‌گانه‌های براماننداخت که در ردیف اردوگاه‌های هیتلری و بلکه جنایت بارتر بود. فرسان کشتار هر چندند فرا از زنان و کودکان و سالخورده‌گان و صادر کرد. ده‌های استراتژیک "در زیر سایه" سرنیزه قرارداد. بتختی سدهائی که مایه زندگی میلیون‌ها نفر است ویرانی آنها بکشتار صد هائونتر میبشد دست زد. آخرین اختراعات علوم تکنیک را در جنگ بر علیه خلق ویتنام بکار انداخت. ولی همه این شیوه‌ها و همه این افزارهای شکست‌انگیز و نیرومند در برابر خلقی که با سادگی از آزادی و بحق حاکمیت خویش تصمیم گرفته بود ناتوان از کار آمد. کون ترین امیرالیاستها هم با تلخکامی در یافتند که جنگ تجاوزکارانه امیرالیاسم آمریکا در ویتنام فرجائی جز شکست قطعی نخواهد داشت. تمایل نیکسون به پاراف طرح قرارداد صلح با ویتنام از این اضطراب ناشی شد. ولی امیرالیاسم آمریکا جان‌سخت و حیله‌کار است و با تامل در اضعی از قرارداد میبخواهد آن چهره‌گدازد. بدست نیابود. ناست برسومین صلح بدست آورد و در همان روزهایی که بفرگرفته‌شغل است و مدد اگر واسطه‌ای برای جنجال درباره "صلح جویی" و "حسن نیت" خویش ساخته شتابزد به برتسلینگ حکومت پوتالی سایگونی افزایش و محصولات

همدردی با خلق بوادرافغان

بد نهال کم‌پای سالهای اخیر سولاب‌های ویرانگر اسان خلق برادر ما و خلق افغان دستخوش قحطی و بیخانمانی جانمندی گردیده است. هزاران خانوار سابقان خود را از دست دادند و هزاران خانوار در جستجوی نان با طاراف افغانستان در پد رفته‌اند. چمبرسار از آنها که فرزند آن خود سال خود را برای راهی از گرسنگی می‌فروشند. عده‌ای از خانواده‌ها نیز از زمین‌های رند و به‌هات خراسان و سیستان کوضی تشبه دهات افغانستان دارند پناه می‌آورند و در واقع بی‌خانم میشوند.

ما باین مسأله همدردی عمیق خود را با خلق برادران افغانستان ابراز می‌داریم. اینهمه مصائب که بر سر مردم ایران و افغان میبارد نتیجه بلیات طبیعی نیست بلکه نتیجه رژیم ارتجاعی و فاسد و ستر نشاندی است که فقط در اندیشه پاسباندار از منافع بلیات و غارتگران امیرالیاست و سوسیال امیرالیاست و کمترین ارزشی برای توده‌های زحمتکش نائل نیست. فقط مبارزه سرسخت و پیگیر خلق‌های ماستراند با سرنگون ساختن رژیم‌های گورنسی و استقرار حکومت دموکراتیک توده‌های راه آیند. سعادت متفلسد را گنمایند.

دست جلاد از جان مین پرستان کوتاه!

سخنان نماینده جمهوری نمودهای چین:

درباره «تروویسم»

هنگامیکه تمام تجار جهانی میمانند در تحت لوای مبارز علیت تروویسم، جنبش فلسطینی را مورد اتهام قرار میدادند. هنگامیکه محیطی زهرآگین و تحریک آمیز علیه نیروهای شرقی جهان توسط امپریالیسم و صهیونیسم پدید آورده شد، هنگامیکه بیپایانها در خونین مونیخ طرحی مبنی بر محکوم ساختن «تروویسم» بطور گویا در سازمان ملل مطرح شد و هدفش در واقع محکوم ساختن هرگونه عمل انقلابی بود. نماینده دولت جمهوری تودهای چین در سازمان ملل با تکیه بر اصلیت انقلابی، نقاب فتنه انگیزان را در پرده انداخته و خلق فلسطینی را ظنن انداز کرد. در لحظاتی که سنگین یکسو از رهبران روزیونیستیهای شوروی تروویسم را اساساً مطلقاً محکوم کردند، نماینده خلق چین در ۲۷ امین اجلاس عمویی سازمان ملل در طی نطق ارتزدهای نرفته سالوسانه، ارتجاع را برملا نمود و خط نامیزی ما بین قهرمانان فلسطینی و قهرمانان انقلابی ترسیم کرد.

نماینده خلق چین در طی نطق ذیل مخالفت خویش را با درد ستورجلسه قرار گرفتین اقدامات برای جلوگیری از تروویسم در ۲۴ سپتامبر ۱۹۷۲ امین جلسه عمویی سازمان ملل ابراز داشت. او چنین گفت:

«ما پیوسته مخالفت خود را با اعمال مساجراجسویانه و تروویستی ای که توسط عناصر و رانندگان کپی انسانهای متفرد از توده ها انجام میسرند ابراز داشته ایم. زیرا که این اعمال بی جنبش آزاد بخش و انقلاب توده های صدمه میزند. اما باید موکداً روشن ساخت که اگر درباره اعمال قهرصفت میشود باید در ابتدا تمایز میان تجاوز نظامی و ستم قهری توسط متجاوزان و مستکمران از یک سو و جنگ مقاومت قربانیان تجاوز و ستم از سوی دیگر، معلوم گردد. این دو نوع قهر ماهیتاً متفاوتند. هر کجا تجاوز و ستم هست، همانجا مقاومت و نبرد یافت میشود.

امروز امپریالیسم، استعمار را با استعمار نوین، نژاد پرستی و صهیونیسم اسرائیل کنار کاران اصلی تروویسم و قهرارتجاعی در جهان میباشند.

نبرد ملتها و خلق های مورد حمله و مستکمران گناچار با سلطه دست میبزنند و با قهر انقلابی علیه قهر ضد انقلابی مقاومت میکنند. کاملاً عادلانه است، اما طرح مورد بحث هیچ تمایزی بین متجاوز و مستکمران از طرفی و تجاوز زدیدگان و مستکمران از طرف دیگر قائل نمیشود و تنها در کمالات کلی درباره جلوگیری از تروویسم و اعمال قهر صحبت میکند. این میتواند توسط امپریالیسم، استعمار، استعمار نوین، نژاد پرستی و صهیونیسم اسرائیل مورد سوء استفاده قرار گیرد. این درست همان چیزی است که صهیونیسم اسرائیل اکنون علیه خلق عرب و سایر خلق های عرب انجام میدهد. چیزی است که ما مورین استعمار پرتغال و رزمینژاد پرست میفلسد آفریقای جنوبی و ژود زبای علیه خلق های آفریقا انجام میدهند چیزی است که امپریالیسم و استعمار علیه ملتها و خلق های مورد تجاوز و مستکمران انجام میدهند.

بدلیل مژده بالا هیئت نمایندگی چین از نظریه هیئت های نمایندگی مارتانی، گینه، سوریه، لیبی و سایر کشورهای آفریقای صحرایی که مخالفند این موضوع درد ستورجلسه قرار گیرد، پشتیبانی میکند.

پیکار و پیکار واقعیت کفدراسیون بقیه از صفحه ۱
پیکار "پراست"
از مقالات علیه کفدراسیون. هیچ گونه ای از فعالیت کفدراسیون نیست که مورد حمله و کینه پیکار قرار نگیرد. آیا واقعاً کفدراسیون هیچ گونه قابل ستائنی نیست؟ آیا واقعاً کفدراسیون مبنی بر سلطه مبنی انحرافی است؟ آیا کفدراسیون چنان نمونه منفی است که برای رسیدن بسا آن باید این همه تلاش خرج داد؟
این آقایان در یکی از شماره های "پیکار" (شماره ۱ سال دوم) رنج فراوان بر خود هموار کرده و به دانشجویان درس واقع بینی داده اند. ما از واقعیت همانطور که هست شروع میکنیم. "ما هیچوقت از واقعیت جدا نمیشویم". چه دروغ ناپسندی! چه فریبکاری زشتی! آیا دشمنی با کفدراسیون دانشجویان ایرانی از واقعیت سرچشمه میگردد؟ آیا

کینه و عداوت شما نسبت به کفدراسیون از بررسی و بسط سطحی واقعیت کفدراسیون بیرون میآید؟ متأسفانه شما هیچگاه از واقعیت کفدراسیون تحلیلی بدست ندادید. همه کار شما محضاً به اینست که برای دشمنی خود - که علت آنرا باید در جای دیگر در نهیات جستجو کرد و نه در واقعیت کفدراسیون - اینجا و آنجا به شتر منقلب و گاهی بصحیح نکاتی را برمیرون کنید و آنها را با جار و جنجال در نشریات رنگارنگ خود بیاورید. این همه "فلسوف" پرده عا گویا هنوز مفهوم واقعیت را درک نکرده اند و گوشه های کوچکی از واقعیت را میگیرند و آنها را بجای تمام واقعیت جا میزنند. تازه این گوشه ها راه چنانکه عادت آنهاست یا تحریف میکنند و یا بغلط تفسیر میکنند.

ما بارها تذکر داده ایم که اگر واقعیت کفدراسیون را در پارهای اشتباهات کوچک - و چنین اشتباهاتی معمولاً برای آنها که کار میکنند جناب ناپذیر است - یا درباره کجیوها و مصایب یا حتی در عقاید این یا آن عضو کفدراسیون خلاصه کنیم، چنانکه ناشرین "پیکار" میکنند، نه تنها از لحاظ شوریکرتکب اشتباه فاحشی شدیم، بلکه از لحاظ علمی نیز کارمان به اقدامات ضد انقلابی و پشت کردن به مبارزات خلق های ایران و مبارزان غیر آن خواهد کشید چنانکه کار ناشرین "پیکار" کشیده است.

درک واقعیت کفدراسیون از بررسی همه جانبه حیات و فعالیت آن، آنهم در شرایط خاصی که کفدراسیون در آن قرار دارد، از تحلیل جهات ماهوی کار و فعالیت آن امکان پذیر است. ما چنین اصولی مینوانیم از واقعیت کفدراسیون ارزیابی صحیحی در دست داشت و آنگاه برای تشخیص واقعیت آن در این یا آن جهت دست به اقداماتی زدیم. اما ناشرین "پیکار" بجای تحلیل علمی واقعیت کفدراسیون یک یا دو جلوه فرعی و کم اهمیت را که مبین ماهیت آن نیست میگیرند، تمام واقعیت کفدراسیون را در آن خلاصه میکنند و آنها را همواره با آنها تمام واقعیت کفدراسیون را محکوم میسازند و بدور میافکنند. آیا نام این کار در تئوری سوبژکتیویسم و در کار سازمانی سکتاریسم نیست؟ آیا آن عیبی که ناشرین "پیکار" بسا متادیر بسیاری سر بر سر میخوانند بکفدراسیون بچسبانند بخودشان تعجبیده، برآوردند خودشان نیست؟

اکنون بسبب واقعیت کفدراسیون که است و در ارزیابی این سازمان بطور عمده چه عواملی را باید حساب گذاشت؟ کفدراسیون سازمانی است توده ای که میتواند و باید همه دانشجویان و اعضا مخالف رژیم را در درون خود گزیند. البته کفدراسیون همیشه به منافع صفتی دانشجویان توجه داشته و هم اکنون نیز دارد. ولی با توجه به رژیم که در ایران حکمفرما است نفع صفتی که کفدراسیون در کار دفاع از منافع صفتی دانشجویان ایفا میکند نفع صفتی است. اما نه نفع صفتی سازمان یا حزب سیاسی آنطور که ناشرین پیکار و پیروان آن بغلط و به منظورهای دشمنانه به آن میبندند بلکه نفع سازمانی که خود بخشی از جنبش رهایی بخش خلق های ایران است و بنابراین شعارهای سیاسی آن نیز نمیتواند از حدود شعارهای عام مبارزات خلق های ایران برای نپل به استقلال و آزادی فراتر رود و فراتر هم نرفته است. نفع صفتی کفدراسیون در چه صائلی ظاهر میگردد:

- ۱- مبارزه بیکر با امپریالیسم نفوذ روز افزون آن در ایران که هر روز بیشتر استقلال و آزادی ما را به بند میکند.
- ۲- مبارزه با رژیم خیانت، جنایت، فساد شاه مملوک امپریالیسم آمریکا و مجری سیاست امپریالیسم در کلبه زمینها بویژه امپریالیسم آمریکا.
- ۳- دفاع از مبارزات خلق های ایران در تمام زمینها علیه فحایع و اجحافات شاه و طبقه حاکم وابسته به امپریالیسم.
- ۴- افشاء عوام فریبی های شاه و دولت دست نهانده آن که میکوشند که عقب ماندگی و رژیم استبداد فاشیستی را از نظر جهانیان بپوشانند.
- ۵- شناساندن سازمان امنیت ایران و جنایات روزمره آن چیزی که شاه در اختفای آن اصرار عمیقی میوزد.
- ۶- پشتیبانی از مبارزات کلبه خلق های کلبه امپریالیسم و ارتجاع میوزند، ابراز همبستگی کامل با آنها، کمک با آنها تا آن حد که در توانائی آنست.

نشریه "پیکار" هم برآنست که فعالیت سازمان توده ای "عمده فعالیت سیاسی را هم در بر میگیرد باین مفهوم که سازمان توده ای نمیتواند در حیات سیاسی کشور خود بی طرف بماند بلکه باید بمشایبه بخشی از جنبش ضد امپریالیستی و دمکراتیک کشور ما در عرصه سیاسی نیز فعال باشد. . . . شعار سیاسی آن . . . باید خواسته های سیاسی خود را در چهارچوب شعارهای سیاسی عموم خلق مطرح کند یعنی آن چنان شعارهاییکه عموم سازمانهای ملی و دمکراتیک کشور بر سر آن توافق دارند." (شماره ۶ صفحه ۱۶). آیا شما های سیاسی کفدراسیون خارج از حدود ای است که نشریه "پیکار" تذکر میدهد؟ آیا در میان وظائف فوق وظیفه ای را میتوان یافت که با شعار سیاسی عموم خلق "نفاذ داشته باشد؟ آیا هیچ فرد ایرانی را از کارگر و دهقان گرفته تا روشنفکر شرقی میتوان یافت که پای این وظائف صحنه نگذارد؟ آیا هیچ سازمان ملی و دمکراتیک کشور را میتوان یافت که بر سر این وظائف توافق نداشته باشد؟

شعارهای سیاسی کفدراسیون شعارهای سیاسی عام خلق های ایران است. بنابراین با ماهیت کفدراسیون بمشایبه سازمان توده ای هیچ رومی در تضاد نیست. خود آقایان که در دشمنی با کفدراسیون حد و مرزی نمیشناسند خلاف آنرا نگفته اند. ایراد آنها حد اکثر در اینست که چرا کفدراسیون از این یا آن زندانی توده های دفاع نکرده و چرا به فلان اجازه سخن داده نشده است. چرا فلان جمله در ارگان کفدراسیون آمده و . . . از این قبیل که بغرض صحت ماهیت کفدراسیون میوزد. بمشایبه سازمان ضد امپریالیسم و دمکراتیک هیچچیزه خدشده در مبارزه. چنین است واقعیت سیاسی کفدراسیون.

اکنون این مسئله پیش میآید: آیا کفدراسیون در عمل علمی رنج مشکلاتی که بر سر راه او قرار داشته بطور کلی در انجام وظائف خود توفیق یافته است؟ جواب این سؤال روشن است. شهرت جهانی کفدراسیون محبوبیت خاصی که کفدراسیون میان خلق های جهان و سازمانهای شرقی از آن برخوردار است موفقیت آن در افشاء رژیم شاه و شخص شاه در نزد مردم جهان و بر اثر آن کینه حیوانی شاه با کفدراسیون که بالاخره آنرا غیر قانونی اعلام کرد و اکنون در پی آنست که فعالیت آنرا با دست و پا بکشد و راه های اروپایی غربی متوقف سازد، با اینها همه دلیلست کامیابی کفدراسیون در انجام وظائف خویش نیست؟ در این جا ما نفع سازمانهای سیاسی را در مبارزه با شاه و رژیم او از نظر فرو نمیگیریم. بدون شک سازمانهای سیاسی انقلابی در عین انجام وظائف خاص خود هر کدام بنوبه خود در انجام وظائف عام سیاسی خلق های ایران سهمی دارند. چیزی که قابل انکار نیست. ولی کفدراسیون محلت وضع و موقعیت خود آنچنان حد های سیاسی است که در سراسر جهان ظنن میافکند و در حال حاضر بملل مختلف و منجمله شرایط کار صفتی، هیچچیز از سازمانهای سیاسی را نمیتوان سراغ کرد که بتواند چنین نقشی را ایفا کند؟ چنین است واقعیت کفدراسیون در عمل.

اهمیت کفدراسیون برای نیروهای انقلابی و مترقی ایران از همینجا سرچشمه میگردد. برآفتاد کفدراسیون، خلق های ایران مبارزان ایران را از جنبش واقعیتی، از صدای رسائی که وضع دلخراش آنها و مبارزات قهرمانانه آنها را با این دامنه انعکاس دهد محروم میسازد. تضعیف و بطریق اولی بر افتادن کفدراسیون دست رژیم شاه را در اعمال زشت خود بازهم بیشتر باز خواهد گذاشت با این اطمینان که فحایع اگر از انتظار بنیان نماند لاف با این دامنه در معرض افکار عمومی جهان قرار نخواهد گرفت.

با این تفصیل آیا گوشش در بی اعتبار ساختن کفدراسیون، در انحلال آن، در برآفتاد آن دانشجویان دانشجویان آن در گمراه کردن افکار عمومی نسبت به اهداف و ماهیت آن جز بسود امپریالیسم و رژیم شاه است؟ آیا جله "پیکار" که کفدراسیون را آماج تیرهای زهرآگین قرار میدهد، در تضعیف و انحلال آن میکوشد کاری جز در جهت ضایع رژیم ایران و امپریالیسم انجام میدهد؟ آیا این "پیکار" سیاه ضد انقلابی در ضابط مخالف پیکار قروزان و انقلابی دمکراتی قرار نداد؟

نیرومند باد حزب کمونیست فرانسه (مارکسیست-لنینیست)

پنج سال پیش در ۳۰-۳۱ دسامبر ۱۹۶۷ حزب کمونیست فرانسه (مارکسیست-لنینیست) در دومین کنگره نهضت مارکسیستی-لنینیستی فرانسه بنیادگذاری شد تا سایر حزب کمونیست فرانسه (مارکسیست-لنینیست) پس از یک دوره مبارزه پرشور و علمی ریزش حزب کمونیست فرانسه و در دفاع از مارکسیسم لنینیسم و اندیشه مائوتسه دون انجا گرفت و بعد از آن کامل آید تئولوژیک و سازمانی انقلابیون مارکسیست-لنینیست از اپورتونیستها و خائشان طبقه کارگر بود. حزب کمونیست فرانسه (مارکسیست-لنینیست) با یکی از قدیم ترین و آزموه ترین و وسیعترین احزاب ریزشونیستی جهان روبرو و وظیفه‌های پس از شورش را نشان داد. ریزش و رهائی طبقه کارگر از دام حزب کمونیست ریزشونیست فرانسه و در مبارزه فاعل علیه بورژوازی-امپریالیستی فرانسه و امپریالیسم جهانی برعهده داشت. ولی وی از همان اوایل فعالیت نشان داد که ناپسند ایفا وظیفه سخت و طولانی است. از اجتماع فرانسه هم این شایستگی را تشخیص داد و در حوادث انقلابی مه ۱۹۶۸ حزب کمونیست فرانسه (مارکسیست-لنینیست) را غیرقانونی اعلام داشت. اما حزب کمونیست فرانسه (مارکسیست-لنینیست) با وجود ضربه سختی که بر او وارد آمد توانست با اتکا به موازین لنینی

در باره یقین افسران بقیه از صحنه ۱ به آن کبوره‌ها بفرودند. در همان کفران اقتصادی تهران در اردیبهشت ۱۳۴۹ کبش شرکت سرمایه‌داری نظیر رکفر تشکیل گردید "یادآوری شد که ایران کابینک دارای بیست نوزده تجارت‌ساز کشور های بلوک شرقی میباشد میتواند برای کبش‌های غرب که علاقمند بتوسعه تجارت و صادرات خود با منطقه مذکور هستند پایگاه مفیدی باشد" (اطلاعات ۳ اردیبهشت ۱۳۴۹) - اینک رئیس بانک صادرات و واردات آمریکا تحت عنوان "گسترش تجارت ایران با بلوک شرق" همین مطلب را تکیه میکند! چنین است کردار و گفتار راهزنان امپریالیسم! و چنین است یقین‌آمیزی امپریالیستی در کشوریکه محدرضان‌ها بر آن حکم میراند!

- چهار نشریه جدید توفان
- تاریخ حزب کارآلبانی معادل ۸۰ ریان
- توفان سال پنجم معادل ۶۰ ریان
- دولت و انقلاب معادل ۸۰ ریان
- راه‌های معادل ۴۰ ریان

"دشت ناز" بقیه از صفحه ۴

اختصاص داده شده است. در این دشت هشت حلقه چاه آرتیزین، در رشته قسات و حلقه چاه که عمق شش چاه عمیق و دوسه برای جمع آوری و هدایت آبهای سطح الارضی قابل استفاده در فصول خشک احداث شده است. برای آبیاری مزارع آرزوی آبیاری از نوع بارانی استفاده میگردد. در حال جاری حدود شصتصد هکتار از اراضی بدین شیوه آبیاری شده است. شن الکس و نعب و چهار موتور پمپ با قدرت ۱۵ اسب بخار آب لایم را وارد شبکه لوله‌کشی باران مضمونی میکند. شبکه لوله‌کشی تشکیل شده است از وارده کیلومتر لوله‌کشی زمزمینی (عمق یکمتر) و چهارده کیلومتر لوله‌کشی روی زمین. در حال حاضر در دشت ناز ۲۰ دستگاه تراکتور ۴ دستگاه کبابین با تجهیزات لازم، دو خودرو سواری، ۱۳ تراکتور حدود ۸۰ دستگاه وسایل کشاورزی سنگ و سنگین و دیگر کارآفرانان این از جمله ساختمانهای دشت ناز، سه باب انبار بظرف هفت هزار تن محصول کسب شده، دو باب انبار بظرفیت ۶۰۰ تن محصول انباشته شده، ۶ دستگاه سیلو بظرفیت ۱۵۰۰ تن مجهز به ماشینهای خشک کن و بوجاری و میتوان نام برد. سالیانه در دشت ناز بیش از ۱۰۰۰ تن کود شیمیایی مصرف میشود و از چند سال پیش به اینظرف مزارع گندم دشت ناز با هواپیمای علیه علف های هرز سمپاشی میشوند. برای تهیه بذر اصلاح شده و یکپارچه گندم در دشت ناز کارخانه‌های آبیاری گردیده است که ظرفیتش بین ۶۰ تا ۹۰ تن در شبانه روزی و قادر است گندم را پاک نموده پس از خشک کردن و بوجاری کسب نماید. برای حمل و نقل محصولات کشاورزی دشت ناز یک شبکه راه‌آهن احداث گردید ماستکه خط اصلی آن از راه‌آهن ساری - بهشهر جدا شده و در جهت شمال بین دو رودخانه نکسا و تجس به دریا متصل میشود. شبکه برق سراسری رانسیز سه دشت ناز کشنده هستند. اگر چه های دشت ناز از نیروی برق شبکه‌ای استفاده میکنند.

در باره طبقات حاکمه اعزازت و ادال و سرمایه‌دار، سرمایه‌گذاران خارجی "دشت ناز" های فراوانی برای خود باقی گذاشته و بوجور آوردند. برای رونق دادن به این "دشت ناز" ها میلیونها اعتبارات کشاورزی اختصاص داده میشود. دهقانان فقیر ایرانی چگونه میتوانند با این مؤسسات رقابت کنند. در حالیکه از آنرو، از کمپانی‌ها، از راه‌آهن، از کارخانه، از وسائل تهیه بذر، از وسائل مبارزه با آفات ... محرومند.

واقعیت اینست که کلیه مؤسسات دولتی علی‌رغم ماهی فریبنده آنها، برای حفظ منافع طبقات حاکمه، برای تخمین سود هر چه بیشتر آنها بوجود می‌آیند. شاه بعد دولت دستچوردان است که ترتیب تخمین خرید محصولات کشاورزی مؤسسه از قبیل دشت ناز را بدو هدایت و او است دولت هم و آنهم دولتی

سرمایه‌داران شوروی در ایران

باین خیر توجه فرمائید: از دیماه سال گذشته شرکتهای ایرانی تا پیش شده است بنام "شرکت سهامی خاص مخطط امیر حمل و نقل ایران و شوروی" بنظرو حمل و نقل بین ایران و شوروی و با ارسال کالا به خدمت کشور های ثالث و با سرمایه‌های معادل ۶۶ میلیون ریان. شنیدید که دارد: سرمایه‌های روس و شوروی با سرمایه فسیوک و آسیلو ایوانویچ و یاکوسوف خاجیک و آتسیویچ. مدیر عامل شرکت آفای فسیوک و آسیلو ایوانویچ است. (تهران اکونومیست ۲۵ دی ۱۳۵۰)

این سه نفر شوروی کیستند؟ ریزشونیستها مدعی آنند که در کشورشان سرمایه‌داری احیا نموده است. پس این آقایان سرمایه‌داران کجا آوردند. بجه حق سرمایه‌گذاری کردند؟ ریزشونیستها خود را مخالف استثمار انسان از انسان می‌نامند. پس این آقایان اتباع شوروی چگونه با سرمایه‌داران ایرانی در استثمار بجرمانه خلق ایران همدست شده‌اند؟

واقعیت اینست که شامه سوداگران ریزشونیستها شکر در جلب منفعت بسیار تیزاست. از موعه‌یکه گرایه حمل و نقل کالا از اخلیل فارس به رویا و زمین (حمل و نقلی که در دست امپریالیستهاست) افزایش یافت ریزشونیستها فوراً استفا ده کردند. و راه‌شوروی را که طبیعتاً از آن تراست عرضده اشتند و کوشیدند که صادرات ایران را از این طریق در قبضه خود بگیرند. در موافقت نامه آنروز سالهای که بین شوروی و ایران امضاء شد جای خاصی مابین امر دادند. ولی باین حد قانع نشدند و چنانکه میبینیم عوامل آنها شرکتهای در ایران تاسیس کرده‌اند که میخواهند نه فقط حمل و نقل بین ایران و شوروی بلکه ارسال کالا ب مقصد کشورهای ثالث را در اختیار بگیرند. مدیرعامل شرکت هم یک نفر شوروی است، نه ایرانی.

این شرکت با سایر شرکتهای مخطط امپریالیستی هیچ تفاوتی ندارد. مؤسسان شوروی این شرکت کسانی هستند که با استثمار خلق شوروی سرمایه اندوخته و اینک آن را برای استثمار خلق ما بکار انداخته‌اند. خلق شوروی و خلق ایران از طرف دشمنان واحدی استثمار میشوند و در نتیجه واحدی برای رهائی خویش مبارزه میکنند.

نیرومند باد همیستکی خلق‌های شوروی و ایران در مبارزه بطلیه سوسیال امپریالیسم و امپریالیسم. پیروزان مبارزه خلق شوروی در راه استقرار مجلس دیکتاتوری پرولتاریا در شوروی.

از قاتل دولت امپریالیسم عید، چاره دیگری ندارد. غیر از اینکه "اوامر ملوکانه" را بر چشم نهاد، شاهپور عبد الرضا در گزارشیه "پننگاه ملوکانه" علاوه بر یکک های مؤسسات راه و برق، از "هنگارهای نزدیک مؤسسه" اصلاح بذر و تهیه نهال، نهال، مؤسسه دفع آفات، بانک بازرگانی، سازمان برنامه و همچنین کارشناسان کشور رومانی در تحقیق یافتن برنامه عمرای این منطقه نام برده است.

اینست آن "عدالت اجتماعی" که میلیون ریزم نسا ه وده‌ها را دادند. عدالت اجتماعی نه بدست شاه و حامیان امپریالیستش میتواند تحقق یابد، و نه در زیر سایه آنها.

عنوان مکاتبات
 X GIOVANNA GRONDA
 24030 VILLA D' ADDA / ITALY
 توجه بفرمائید که شماره حساب بانکی ما عوض شده است. شماره حساب بانکی گنونی ما چنین است:
 X GIOVANNA GRONDA
 CONTO 17549/11
 CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
 MILANO / ITALY

پیروز باد جنگ توده‌های خلق فلسطین

دربار پهلوی و حراج منافع ملی

SEIBU 西武
渋谷

同時開催

THE ART OF CLAY IN IRAN

selection from the collection of PRINCE SHAHRM PAHLAVI-NIA

احساسات آثار ملی است. بخاطر پیوستن زمانی را که نمایش
کمدی تخت جمشید در تحت عنوان جشنهای دهرزار ایرانست
ساله شاهنشاهی ایران کهن برگزار شد. در آن موقع لازم
بود برای عوام فریبی دستگامهای تبلیغاتی رژیم مدام فریاد
زنده کردن تمدن پارسی و تاریخ قدیم و کهن وغیره را سرد کنند.
از جشن ملی و از شناسائی فرهنگ قدیم ایران زمین بهجهانبیان
سخن گویند. محمد رضا شاه را حافظ منافع ملی قلمداد کنند
از جوانمردی کورش تا پیدای آریا مبر در مینند تا شاید باتوسل
به فریب و ماهیت ضد ملی خویش را ستور دارند. روزی نبود
که نیک گفتگی کشف جدیدی نکند و شهبازی و اشیا حقیقی و یا
آثار جدید ملی ای پیدا ننماید. حتی برای ابهت شدن رژیم
تخت جمشید چشمان مشتاقی شیروید کورش را که در آنها از پند
گان تیزبین باستان شناسان هفت ملت پنهان گشته بود یافت
و صحنه سازی تخت جمشید را کامل تر نموده. تمام این تبلیغاتی
برای چه بود. برای اینکه شاید بزندان های دورتی سرپوش گذا
وسبانه به قتل و کشتار میهن پرستان اقدام نموده و چهره
خویش را به عنوان مظهر دفاع از منافع ملی و تمامیت ارضی ایران
در جهان قالب نموده و افکار عمومی را فریب داد. در اراز
حراج آثار ملی میهن ما که تزیین موزه های شخصی سرمایه
و یا نمایشگاههای کشورهای امپریالیستی توسط خاندان ننگین
پهلوی است بار دیگر نشان میدهد که این سلسله در ششای
نیست که شبکی چارول و بیغامگری خویش را ننگ ترانه باشد.
فروش آثار ملی کشور عزیز ما را وسیله پر کردن جیب شاهزاد
خانها و آقایان نمودند. آنجا که مصالح طبقه حاکمه و
در آن خاندان پهلوی در میان باشد منافع ملی حکم
گوسفند قربانی را پیدا میکند. ولی رژیم که به بهانه
حفظ حاکمیت و تمامیت ارضی ایران روز بروز به بودجه عظیم
دفاعی میافزاید و مبلغانش او را مظهر وحدت ملی جا میزنند
قادر نخواهد بود. همه را برای همیشه بفریبد. حفظ منافع
ملی و حاکمیت ارضی ایران تنها از تابودی رژیم ایران میگردد
تنها حکومت زحمتکشان است که مدافع واقعی منافع خلق ایران
خواهد بود.

حزب کمونیست لهستان در تدارک نبردهای طبقاتی آینده

کار اتحادیه جوانان کمونیست لهستان صادر کرد.
در اسناد پنجم گفته میشود که روز بروز مردم کارگران
روشن تر میگردد که لهستان کنونی، دیگر میهن کارگران،
د هفتاد زحمتکش و روشنفکر انقلابی نیست بلکه مهد بورژوازی
کهن و نوین است. دیگر در لهستان سوسیالیسم وجود ندارد
آنچه هنوز باقی است دولتی شدن صنایع است ولی این امر
تغییری در ماهیت رژیم نمیدهد. زیرا که اولاً در کلیه کشور
های سرمایه داری نیز برخی از رشته های صنعت متعلق به
دولت بورژوازی است و بهیچوجه باعث دگرگونی سیستم سرمایه
داری آنها نمیشود. و ثانیاً هم اکنون سرمایه داران غرب
با سرمایه گذارهای خود در بسیاری از کارخانه های لهستان
شریکند. و ثالثاً آن در آمد ملی که از این صنایع عاید میشود
بجیب بورژوازی کهنه ونوسریز. در راه اعتلا رفاه و آسایش
عناصر سرمایه داری بکار میرود و نه در راه ارتقا سطح زندگی
طبقه کارگر.

امروزه در اثر استیلای روبینوئیسم در لهستان کلیه
مفاسد سیستم سرمایه داری مانند: راهزنی و تبهکاری،
میخوارگی و فاحشی، کانگستریسم و اعتیاد بخدرات ببار
آمده است. فرهنگ سلط در لهستان فرهنگ منقطع بورژوازی
و خورده بورژوازی است.

دوران آمارشنسی و گذشته های مختصر در او بسته گورک
زحمتکشان سپری شده است. وضع اقتصادی کشور این در او
دسته را مجبور خواهد کرد که دستبرد جدیدی به سطح زندگی
نوردهای زحمتکش بزنند. در ژانویه ۱۹۷۳ مجدداً توجیه
ها بر زبان زحمتکشان آغاز خواهد شد و بقیه در صفحه ۳

"پرچم سیخ" ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست لهستان
- حزبی که در ۴ دسامبر ۱۹۶۵ یعنی در دوران خیانت
روبینوئیستها (بسرگردگی گومولکا) به طبقه کارگر و حزب
فی و به خلق لهستان، در شرایط کاملاً مخفی بوجود آمد.
خبر میدهد که پنجم کمیته مرکزی آن حزب در سومین سمعاهو
سال جاری در ورشو یا بیخ لهستان تشکیل جلسه داده است
این جلسه که علی رغم پیگرد های کین تروانه پاپیس تشکیل شد
بخودی خود نماینده رشد و نیرو گرفتن حزب واقعی و مارکسیست
لنینیست طبقه کارگر لهستان، حزب کمونیست لهستان و شاک
بخش عمده احزاب و سازمانهای مارکسیستی - لنینیستی جهان
است.

پنجم حزب کمونیست لهستان اوضاع بین المللی و شرایط
کشور را مورد تحلیل قرار داد. بمنظور گسترش سازمانی و تقویت
مبارزه حزب کمونیست لهستان بر علیه "ارودسته" روبینوئیست
گیرک و یاروشویچ و غایف. تازه ای در برابر حزب نهاد. پنجم تأکید
کرد که مبارزه مذکور بخشی از مبارزه احزاب مارکسیستی -
لنینیستی و نیروهای انقلابی بر علیه روبینوئیسم معاصر بسر
کردگی سوسیال امپریالیسم شوروی و امپریالیسم امریکا و سرمایه
داری در مقیاس بین المللی است.

پنجم عملیات تئوریتی جدید پلیس مخفی دارد بسته
گیرک را بر علیه انضام و فعالان حزب کمونیست لهستان مورد
بررسی قرار داد و تصمیماتی بمنظور تأمین حزب در برابر خرد
بکاری و فتنه انگیزی پلیس انضام کرد.

پنجم در پایان کار خود پیاپی به طبقه کارگر و خلق
زحمتکش لهستان فرستاد و همچنین برنامه ای در باره بهبود

«دشت نواز»

اکنون چندین سال از تصویب و اجرای قانون "اصلاحات
ارضی" شاه میگردد. جارجیان تبلیغاتی رژیم منظور اساسی
این اصلاحات را از یک سو رفع بحران کشاورزی ایران و از لحاظ
سطح تولید و از سوی دیگر ایجاد عدالت اجتماعی قلمداد
میکردند. کسانی نیز که با استقبال شاه شتافته و "اصلاحات
ارضی" او را مثبت و یک نوع عقب نشینی رژیم "اربابی" میکردند
بدین شیوه استدلال توسل می یافتند که "اصلاحات ارضی"
اگرچه "نیم بند" است ولی دست کم قسمتی از دهقانان بی زمین
را صاحب زمین خواهد کرد. که این خود تاگزیر ثروت زمین-
داران بزرگ را محدود خواهد ساخت. دهقانان ایرانی نیز
که صاحب زمین شده اند. از آنجا که دیگر برای جیب خود کار
میکند. با حارثه علاقه و شور بیشتری کار خواهند کرد و بدین
ترتیب تولید کشاورزی و در نتیجه آن در آمد ملی بالاتر خواهد
رفت.

در مورد اینکه آیا پس از سالها انتظار، تولید کشاورزی
ایران افزایش یافته است یا نه کافی است به ارقام و آماری که از
جانب مقامات دولتی انتشار مییابد توجه شود. این آمار،
گرچه در آنها بسود تبلیغاتی رژیم دست برده میشود، گواه بر
آن است که افزایش تولید کشاورزی ایران از افزایش جمعیت
کشور نیز کمتر است. حتی در سال ۱۳۵۰ "ارزش افزوده" کشاورزی
۵ درصد از رقم مشابه سال قبل کمتر شد (تهران اکونومیست
۲۴ تیر ۱۳۵۱). همین آمارهای دولتی و آزان بالانسر
واقعیتهای مشهود زندگی فلاکت بار دهقانان و سایر مردم ایران
گواه و روشنگری این "اصلاحات" است.

در مورد "ایجاد عدالت اجتماعی" نیز دروغ و دستگاهها و
تبلیغاتی شاه هر روز بیشتر فاش میشود. به برکت این "اصلاحات
و "اصلاحات" نظیر آن اختلافات طبقاتی در ایران هر روز شدت
بیشتری مییابد. فقر گستگی، بی دای، بی غذائی در میان مردم
زحمتکش کشور ما گسترش بیشتری پیدا میکند و حال آنکه طبقات
حاکمه ایران پیوسته غنی تر و قوی تر میگردد. در برنامه چهارم
اعتبارات کشاورزی نسبت به برنامه اول بیش از ۲۰ برابر یا لا
رفته است. اگر با وجود این ارزش تولید این بخش رشد کمی
نداشته است، اگر با وجود این دهقانان ایرانی روز بروز به
ورشکستگی میگردند، پراپین اعتبارات، این ولخرجیها و بیوز و
بیپاش ها بکجا میرود؟ ما در پاسخ این سؤال چند فاکتور باره
"دشت نواز" ارائه میدهم. این دشت نواز متعلق به شاهیه
عبدالرضا برادر شاه ایران است.

دشت ناز در ۲۰ کیلومتری شمال شرق ساری قرار دارد.
مسافت آن تا دریای خزر ۱۸ کیلومتر است. مساحت کل این
دشت ناز برنوسنده این مقاله معلوم نیست ولی مساحت زمین
قابل کشت این دشت حدود سه هزار هکتار میباشد. علاوه بر این
در این سرزمین معادل دو بیست و بیست هکتار به ایجاد کانال
و جاده و ۵۵ هکتار به احداث پارک وحش بقیه در صفحه ۳

زبان ارقام

ارقام زیرین نموداری از رشد شکفت انگیز اقتصاد جمهوری
تودمای چین است:

چین در سال ۱۹۷۱

- ۱- ۲۶۶ میلیون تن غله تولید کرد که دو برابر سالها
بلافاصله پس از آزادی بود. امروزه چین نه فقط نیازمنده
جاری خود را از حیث غلات تأمین میکند بلکه ذخیره نیز دارد.
- ۲- ۲۱ میلیون تن فولاد تولید کرد که ۱۳۱ برابر
سالهای بلافاصله پس از آزادی و چهار برابر سال ۱۹۵۷.
- ۳- میزان تولید نفت چین نسبت به سال ۱۹۴۹،
۳۰۰ برابر شده.
- ۴- اندازه راه آهن چین بحساب کیلومتر به ۴ برابر
دوران پیش از آزادی بالغ گردید.
- ۵- خرده فروشی یعنی فروش اجناس به توده مردم
نسبت سال ۱۹۴۹، ۶۴ برابر شده.

سرنگون باد رژیم محمد رضا شاه